

راهکارهای تبلیغات و بازاریابی (۲۸)

فکر بزرگ

چگونه رویاهای تجاری خود را تحقق بخشید

از فکر بزرگ تا نخستین یک میلیون دلارتان

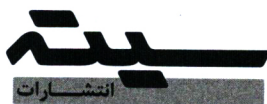
نویسنده:

دانی دویچ

میزبان برنامه‌ی «فکر بزرگ» در شبکه‌ی سی‌ان‌بی‌سی

مترجم:

منیژه شیخ جوادی (بهزاد)



ناشر کتاب‌های تخصصی بازاریابی و تبلیغات

فهرست

- ۱ «فکر بزرگ» چیست؟
- ۳ فصل ۱: دعوت از تمامی افراد رویاپرداز
- ۱۹ فصل ۲: هیچ تجربه‌ای مورد نیاز نیست
- ۲۹ فصل ۳: چرا فرد دیگری را ثروتمند کنیم؟
- ۳۹ فصل ۴: معاشقه کنید، نه کار
- ۴۹ هیچ نابغه‌ای وجود ندارد
- ۵۱ فصل ۵: باید راه بهتری هم وجود داشته باشد
- ۶۷ فصل ۶: چرا من به این فکر نیفتادم؟
- ۷۹ فصل ۷: از جعبه خارج شوید
- ۸۵ فصل ۸: دنیا را با فکر ساده‌ای عوض کنید
- ۹۱ پاسخ «نه»، یکی از انتخاب‌های ما نیست
- ۹۳ فصل ۹: چرا من نه؟
- ۱۰۳ فصل ۱۰: لحظه‌ی ارزیابی جسارت
- ۱۱۳ فصل ۱۱: آنان به من گفتند که هرگز موفق نخواهم شد
- ۱۲۱ فصل ۱۲: فکر بزرگی که ناجی شماست

فصل ۱۳ : چه کسی گفته که خیلی دیر شده است؟ ۱۲۷

رسیدن به یک میلیون نخست ۱۳۵

فصل ۱۴ : از صفر تا میلیون‌ها ۱۳۷

فصل ۱۵ : برخاسته از قدرت مادرانه ۱۴۹

فصل ۱۶ : همه در خانواده ۱۵۷

فصل ۱۷ : مردم به مردم ۱۶۷

شکستن موانع ۱۷۹

فصل ۱۸ : دلارها و منطق ۱۸۱

فصل ۱۹ : تبلیغ بی‌نقص ۱۸۹

فصل ۲۰ : از معجزه‌ی نمایشگاه‌های تجاری بهره‌برداری کنید ۱۹۹

فصل ۲۱ : میلیونر گرسنه ۲۰۷

نتیجه‌ی کلام ۲۱۵

پیوست ۲۱۷

۱

دعوت از تمامی افراد رویاپرداز

یک نجار تقریباً همیشه در موقع بریدن نان انگشتش را زخمی می‌کند. بام! گیوتین نان متولد می‌شود.

یک خانم خانه‌دار از این که غذاهای مهمانی‌اش مزه‌ی ماندگی می‌دهند، دلخور است و می‌داند دلیل آن بسته نشدن کامل پاکت‌های حاوی مواد غذایی است. بام بام! مهر و موم فوری پاکت.

زنی از این که بندهای سینه‌بندش دائم پایین می‌افتند، عصبانی است. بام! بام! رام‌کننده‌ی بندها.

زن و شوهری که طرفدار تغذیه‌ی سالم‌اند، در جستجوی غذاهای یخ‌زده‌ای هستند که آشغال نباشند. بام بام! آشپزخانه‌ی امی.

مادری احساس خستگی می‌کند، چون دائم باید دماغ بچه‌اش را پاک کند. بام بام! دستمال‌های بوگی.

فکرهای خلاق در اطراف ما هستند. من هر روز با افرادی روبرو می‌شوم که به فکر خلاق‌ی دست یافته‌اند که پیش‌تر کسی به آن‌ها فکر نکرده بود. در هر موردی، این فکر از نیازها و جای خالی چیزی برمی‌خیزد؛ میل به آسان‌تر

رویاپردازی یک واقعیت تازه است و فکر بزرگ، نهایت نمایش واقعیت. مهمانان من تجسم این واقعیت‌اند. این افراد در تحقق رویاهایشان موفق شده‌اند، نه بدین دلیل که افراد خوشبختی متولد شده‌اند، یا افراد خوش‌قیافه، و یا دارای استعداد‌های خاصی بوده‌اند. اینان افرادی هستند که با واسطه‌ی انگیزه و شور و شوق بشری - و بله، با کمی شانس - راه خود را به قله‌ی کوه یافته‌اند.

راه‌های زیادی برای رسیدن به موفقیت وجود دارد، اما ناچارم بگویم که به طور شخصی هیچ چیز برایم لذت‌بخش‌تر از آن نیست که با کودک ناکام و درمانده‌ی دیروز و انسان موفق امروز روبرو شوم.

من با چه کسی حرف می‌زنم؟

چرا می‌توانم با درماندگان دیروز ارتباط خوبی برقرار سازم؟ زیرا بر اساس تجربه‌هایم حرف می‌زنم؛ خودم هم زمانی همان کودک بودم. دلم می‌خواهد اندکی در مورد زندگی من بدانید، پس درمی‌یابید که از کجا آمده‌ام. همیشه در مورد من می‌گفتند: «دانی مغز دارد، اما اگر بتواند آن را به کار بیندازد.» والدین و معلمانم می‌دانستند که من باهوشم، و این ولنگاری من آنان را خشمگین می‌ساخت. راستش را بخواهید مدرسه حوصله‌ام را سر می‌برد. گرفتن نمره‌های خوب برایم اهمیت نداشت، دلم می‌خواست تفریح کنم. من در زمین بازی یک نابغه بودم، اما وقتی زنگ می‌خورد و روی نیمکت کلاس می‌نشستم، در هپروت فرو می‌رفتم. من مملو از انرژی بودم - بی‌قرار و بی‌توجه و سرزبان‌دار - مرتب می‌شنیدم: «دانی توجه کن.» حتی در آن زمان مسئله از نظر من روشن بود: من قدرت تمرکز نداشتم. احتمالاً امروزه اختلال مرا اِدی دی (بی‌توجهی) بخوانند و با کمک دارو ناآرامی‌ام را ناپدید سازند. اما شاید من خوش‌شانس بودم که تحت مداوا قرار نگرفتم. آن کودک، خود واقعی من بود. در زندگی هر فرد موفق، عامل شانس دخالت دارد؛ و والدین من کارت‌های خوش‌شانسی من بودند. من در منطقه‌ی هالیس هیل^۱ بزرگ شدم و زندگی

1. Hollis Hills

ساختن زندگی و بهتر کردن آن. این‌ها افکار واضحی هستند، اما تنها افراد نیازمند و برانگیخته آن‌ها را می‌بینند.

اگر هم اینک روی فکر بزرگی نشسته‌اید - فکری که می‌تواند شما را میلیونر کند - وقت آن است که به حرکت درآیید. اجازه ندهید چیزی متوقفتان سازد. اجازه ندهید کسی به شما بگوید که فکر شما به جایی نمی‌رسد.

رویای شما در دسترس شماست. من به راستی شاهد چنین وقایعی بوده‌ام که صدها بار اتفاق افتاده‌اند. افرادی که فکرهايشان را به میلیون‌ها دلار مبدل می‌کنند، در طبقه‌های مختلف جامعه پراکنده‌اند؛ مادران طبقه‌ی متوسط، کارگران کارخانه‌ها، دانشگاہیان، معلولان، بازنشستگان و همه کس. افراد عادی - که برخی از آنان با موانع بزرگی روبرو هستند - به هدف‌های خارق‌العاده‌ی خود دست می‌یابند.

تمامی این افراد دارای یک ویژگی مشترک‌اند. آنان با شور و شوق به فکر خود می‌اندیشند، آن قدر پرشور و حال که حتی توده‌ی منفی‌باخان نمی‌تواند آنان را از هدف خود بازدارد. با این باور که سرانجام به هدف خود دست می‌یابند... و همین‌گونه نیز می‌شود. آنان بر اساس باورهایشان عمل می‌کنند و دستاوردهایشان نشان از انقلابی دارد که روش‌های داد و ستد را عوض کرده است.

خبر مهم: ما دیگر در دنیایی از بالا تا پایین زندگی نمی‌کنیم. ما در عصر به قدرت رساندن فرد اجتماع هستیم. فرهنگ داد و ستد پس از انقلاب صنعتی، نخستین باری است که دچار چنین دگرگونی عظیمی شده است. تحقق یافتن رویاهای فردی، بیش از هر زمان دیگری ممکن شده است. افراد باهوش کسانی هستند که درمی‌یابند چگونه بخشی از این انقلاب باشند. بهانه‌های گذشته را فراموش کنید. مضمون «ما در مقابل آنان» را به فراموشی بسپارید. در این راه لازم نیست یک شرکت منظم راه بیندازید، به کارخانه‌ی شخصی خود نیازی ندارید تا محصولی را ارائه نمایید، حتی به یک دفتر هم نیاز ندارید؛ بلکه کافی است از خانه‌ی خود سایتی ماهواره‌ای درست کنید، تحقیقاتتان را انجام دهید، محصولاتتان را بفروشید و به اجتماع مورد علاقه‌ی خود بپیوندید.